



چالش دروغ‌گویی کودکان

اشاره

تربیت آگاهانه کودک نیازمند توجه صحیح والدین و مربیان به عملکرد خود و کودک است. بر این اساس، آن‌ها برای درک چگونگی مواجهه با چالش‌ها و مسائل در فرایند تربیت کودک، باید فعالیت‌های پیشگیرانه‌ای داشته باشند؛ به نحوی که بتوانند واکنش‌هایی به‌هنگام و اثربخش از خود نشان دهند. از جمله چالش‌های پیش روی والدین و مربیان، چگونگی مواجهه با مسئله دروغ‌گویی کودکان است.

کلیدواژه‌ها: دروغ، دروغ‌گویی، تخیل، ترس، کودک پیش‌دبستانی

دروغ در لغت به معنای سخن نادرست و خلاف واقعیت، و از نظر روان‌شناسان، تغییر آگاهانه واقعیت است.

دروغ‌گویی کسی است که به قصد گول زدن دیگران ادعای باطل را به‌عنوان حقیقت بیان می‌کند و امری را تأیید می‌کند که وجود خارجی ندارد.

دروغ‌گویی در کودکان خردسال (۳-۲ ساله) به علت ناتوانی کودک در تمایز قائل شدن بین تخیل و واقعیت است. در این شرایط، کودک حرفی می‌زند

که به نظر ما دروغ است اما باید بدانیم که این امر به سبب مهارت نداشتن کودک در تمیز خیال و واقعیت و مرز آن دو و فقدان درک صحیح مطالبی است که بیان می‌شود؛ زیرا کودک خزانه لغات محدودی دارد و به همین دلیل، نمی‌تواند آنچه را دیده یا شنیده است، به‌طور دقیق بیان کند. از طرفی، در ۳-۴ سالگی نیز دروغ‌گویی کودک اغلب به سبب تخیل اوست. بیان این تخیل دلیل بر دروغ گفتن کودک نیست، بلکه نشان می‌دهد که او تلاش می‌کند تخیلاتی را که به تصور او وجود دارند و از حضور آن‌ها لذت می‌برد، با دیگران به اشتراک بگذارد. هر چه سن کودک بالاتر می‌رود، توانایی او در تفاوت قائل شدن بین تخیل و واقعیت افزایش می‌یابد؛ بنابراین، دروغ‌گویی تخیلی در کودکان بزرگ‌تر کمتر

مشاهده می‌شود. از ۴ سالگی، به دلایلی چون عملکرد والدین و اطرافیان و تربیت نادرست، دروغ و دروغ‌گویی به تدریج در کودک شکل تثبیت شده به خود می‌گیرد. از این رو، کودک آرام‌آرام به دلیل رویارویی با مجازات‌های بیرونی (تنبیه) و مجازات‌های درونی (عذاب وجدان) احساس ترس و اضطراب و نگرانی را تجربه می‌کند و از این به بعد برای فرار از تنبیه به دروغ پناه می‌برد.

زمینه‌های دروغ‌گویی و برخی علائم

دروغ‌گویی زیاد کودک نشانه اتفاقات تلخی است که در زندگی او افتاده است؛ به طوری که احساس آرامش و امنیت درونی خود را از دست می‌دهد و تلاش می‌کند با دروغ‌های پیاپی، آرامش و امنیت از دست رفته را باز یابد و خود را پشت دروغی که می‌گوید، پنهان کند. او این راهکار را برای ایجاد آرامش در خود انتخاب می‌کند و اگر این راهکار باعث موفقیت وی شود، یاد می‌گیرد که در مواجهه با موقعیت‌های سخت اجتماعی از آن استفاده کند. انتخاب این روش در کودکان با بی‌قراری، عصبانیت، تپش قلب، رنگ‌پریدگی و گاهی لکنت زبان همراه است. آنچه باعث می‌شود کودک به دروغ گفتن مبادرت کند، یک عامل نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل محیطی و اکتسابی و تنبیه و تشویق‌های بیجا و بی‌موقعی است که کودک در مراحل رشد با آن‌ها روبه‌رو می‌شود و آموزش‌هایی که از طریق مشاهده عملکرد والدین و اطرافیان و فیلم‌ها و سریال‌ها و ... می‌بیند و دریافت می‌کند. او این رفتارها را نخست در قالب تقلید، تکرار می‌کند. به تدریج، این آموزش‌های نامحسوس در کودک نهادینه می‌شوند و در شخصیت وی ماندگاری می‌گردند.

فرار از مسئولیت

از سوی دیگر، در برخی خانواده‌ها وقتی کودک کار اشتباهی انجام می‌دهد، والدین تقصیر را به گردن دوست و همسایه و یا حتی دوست خیالی کودک می‌اندازند و به نظر خودشان به کودک کمک می‌کنند که ناکامی کمتری را حس کند اما به این موضوع توجه ندارند که در همین جا کودک آموزش می‌بیند

که برای فرار از مسئولیت می‌تواند منکر خطای خود شود و غیرواقع صحبت کند، به این ترتیب، کودک هم دروغ‌گویی و هم فرار از مسئولیت را می‌آموزد.

جلب توجه

گاهی والدین به قدری درگیر مسائل خود هستند که کودک را فراموش می‌کنند و او برای جلب توجه آن‌ها و دیگر اطرافیان، موضوعات غیرواقعی را بیان می‌کند.

جلوگیری از تنبیه

یکی از علل مهم دروغ‌گویی کودکان، ترس از تنبیه است. به ویژه در کودکانی که شجاعت‌ورزی برای پذیرش مسئولیت به آن‌ها آموزش داده نشده است یا به دلیل انجام دادن کارهای خطا مورد تنبیه، تحقیر و سرزنش قرار گرفته‌اند، دروغ‌گویی بیشتر دیده می‌شود. از سوی دیگر، کودکانی که وظایفی سنگین‌تر از توانشان به دوش آن‌ها گذاشته شده است و قدرت و توانایی لازم برای انجام دادن تکالیف محوله را ندارند، به سمت دروغ‌گویی سوق پیدا می‌کنند.

الگوی خوب باشیم

اولین و سازنده‌ترین عامل مؤثر در شخصیت کودک، والدین هستند، پس قبل از هر تلاشی، والدین باید راست‌گویی را سرلوحه زندگی خود قرار دهند؛ زیرا همه ما خوب می‌دانیم که کودکانمان از رفتارهای ما یاد می‌گیرند نه از صحبت‌ها و نصیحت‌هایمان.

چند راهکار

- به یاد داشته باشیم که اگر به کودکمان قولی می‌دهیم، باید سر قولمان بمانیم؛ زیرا با تکرار بدقولی‌ها، در نظر او پدر و مادری دروغ‌گو خواهیم بود. از سوی دیگر، دروغ در نظر کودک ما به مسئله‌ای عادی و جزء لاینفک زندگی تبدیل می‌شود.
- برای فرزندمان شرایطی امن ایجاد کنیم.
- به کودکانمان توجه لازم و بجا داشته باشیم.
- در ارتباطمان با کودکان هرگز از توهین، تحقیر، تنبیه و سرزنش و مقایسه استفاده نکنیم.
- اگر از کودکمان دروغی شنیدیم، با عصبانیت و خشم با او برخورد نکنیم بلکه با آرامش به او بگوییم که از شنیدن واقعیت بیشتر خوشحال می‌شویم. همیشه و همه جا و در همه شرایط به کودک خود محبت کنیم تا مطمئن باشد که برای ما عزیز و دوست‌داشتنی است.

منابع

۱. قربانی، محدثه، دروغ‌گویی کودکان، نشر طراحان ایماژ.
۲. دبیری، عاطفه و کاکایی مرضیه، دروغ‌گویی کودکان و روش‌های اصلاح آن، نشر طراحان ایماژ.

در برخی خانواده‌ها وقتی کودک کار اشتباهی انجام می‌دهد، والدین تقصیر را به گردن دوست و همسایه و یا دوست خیالی کودک می‌اندازند و به نظر خودشان به کودک کمک می‌کنند که ناکامی کمتری را حس کند اما به این موضوع توجه ندارند که در همین جا کودک آموزش می‌بیند